

روایت شناسی ساختاری رمان «ذاكرة الجسد» اثر احلام مستغانمی بر اساس رمزگان پنچگانه رولان بارت

عبدالله حسینی^{۱*}، ریحانه بنایی^۲، سیدشاهو ابراهیمزاده^۳

۱- نویسنده مسئول*، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: dr.abd.hoseini@khu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: revhanebanae@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: sh.ebrahimzadeh@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی به بعد، روایت‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای مهم از مطالعات ادبی شکل گرفت و تمرکز خود را بر تحلیل سازوکارهای روایت و چگونگی تولید معنا در متون ادبی نهاد. در این میان، نظریه‌ی رولان بارت، ابزاری نظام‌مند برای تحلیل ساختارهای درونی روایت و فرآیندهای معناسازی فراهم کرده است. با وجود کاربرد گسترده‌ی این نظریه در نقد متون غربی، بررسی نظام‌مند آثار شاخص ادبیات عربی، به‌ویژه رمان «ذاكرة الجسد» مستغانمی، از منظری بینارشته‌ای، می‌تواند به گسترش نقد ساختارگرایانه در حوزه‌ی ادبیات معاصر عربی بیانجامد. هدف پژوهش حاضر، عبور از تحلیل سطحی رمان و ارائه‌ی تحلیلی عمیق از نحوه‌ی شکل‌گیری معنا در آن است. روش این پژوهش، بر مبنای تحلیلی - توصیفی است و جامعه‌ی آماری آن متن کامل رمان «ذاكرة الجسد» است. نتایج نشان می‌دهد که رمزگان چیستانی و کنشی در رمان مذکور، عامل اصلی پویایی و تعلیق روایت‌اند و با طرح معماهای متوالی و تأخیر در افشای معنا، ذهن خواننده را درگیر فرآیند کشف می‌سازند. از سوی دیگر، رمزگان نمادین و فرهنگی با تکیه بر تقابل‌هایی چون سنت و مدرنیته، عشق و نفرت، مقاومت و سازش، زمینه‌ساز بازنمایی بحران هویت فردی و جمعی پس از انقلاب الجزائر در این اثر ادبی عربی است. در نهایت، مستغانمی با بهره‌گیری از تکنیک‌های زبان‌شناسانه مانند رمزگان بارت، موفق می‌شود روایتی چندلایه و معنامحور بیافریند که در آن تاریخ، عشق و هویت به شیوه‌ای استعاره‌ای و درهم‌تنیده بازتاب می‌یابند.
کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی ساختاری، رمزگان پنچگانه رولان بارت، احلام مستغانمی، ذاکرة الجسد.	

استناد: حسینی، عبدالله؛ بنایی، ریحانه؛ ابراهیمزاده، سیدشاهو (۱۴۰۴). روایت‌شناسی ساختاری رمان «ذاكرة الجسد» اثر احلام مستغانمی بر اساس رمزگان پنچگانه رولان بارت. *مطالعات نقدی تطبیقی در ادب عربی*، ۱ (۱)، ۳۵-۱۹.

۱. مقدمه

روایت به زبان ساده، هرگونه داستان یا گزارشی را شامل می‌شود که توالی منظمی از رخدادها را، اعم از واقعی یا خیالی، در قالب آغازی، میانه‌ای و پایانی مشخص روایت می‌کند. روایت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین شیوه‌های انتقال تجربه‌های انسانی، ریشه در تاریخ اندیشه دارد. ریشه‌شناسی این مفهوم نشان می‌دهد که واژه «روایت» از عبارت لاتین (Narrara) و واژه یونانی (Gnarus) مشتق شده و بر دانش و آگاهی دلالت دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). از میان تعاریف گوناگونی که برای روایت ارائه شده، مایکل جی تولان (Michael J. Tolan) تعریفی ساده و در عین حال جامع ارائه می‌دهد: «روایت، توالی از پیش‌انگاشته‌شده‌ای از رخدادهاست که به‌طور غیرتصادفی به یکدیگر پیوند خورده‌اند» (بارت، ۱۳۸۷: ۲۰). رولان ژرار بارت^۱، نظریه‌پرداز برجسته، روایت را در گستره‌ای وسیع از جلوه‌های فرهنگی، از اسطوره و افسانه تا تاریخ و داستان‌های مصور، حاضر می‌داند. به باور وی، روایت از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: «داستان» که شامل حوادث پیاپی و منطقی است، و «متن» که قالبی برای بیان این داستان است (Barthes, 1970: 6). این دوگانه‌بودن، روایت را قادر می‌سازد تا در قالب ژانرهای مختلف ارائه شود. از دهه ۱۹۶۰ به بعد، روایت‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای مهم از مطالعات ادبی شکل گرفت. این حوزه به بررسی فنون و ساختارهای روایی در متون می‌پردازد و روایت را گزارشی از وقایع واقعی یا تخیلی می‌داند که در قالبی هنری سازمان یافته باشد (Bowman, 2000: 3). در این میان، اهمیت نظریه رولان بارت در ارائه ابزاری عینی و نظام‌مند برای تشریح سازوکار تولید معنا است. بارت با معرفی پنج رمزگان که شامل رمزگان کنشی، رمزگان معمایی، رمزگان نمادین، رمزگان معنایی، رمزگان فرهنگی و ارجاعی است، چارچوبی برای تحلیل لایه‌های معنایی متن ارائه کرد. به عقیده بارت، هرچه تعداد این رمزگان‌ها در متنی بیشتر باشد، آن متن به سمت «نوشتنی» بودن و چندمعنایی پیش می‌رود. همچنین وی میان دو نوع متن تمایز قائل می‌شود: متون «خواندنی» که معنایی از پیش تعیین شده دارند، و متون «نوشتنی» که خواننده را در تولید معنا مشارکت می‌دهند (بارت، ۱۳۹۹: ۶۵). این دیدگاه، خواننده را از مصرف‌کننده صرف به نقش فعال در خلق معنا ارتقا می‌دهد. ضرورت این پژوهش از چند منظر قابل تبیین است: نخست، ضرورت نظری که بر شکاف موجود در مطالعات تطبیقی میان نظریه‌های روایت‌شناسی غربی و ادبیات داستانی معاصر عربی تمرکز دارد. با وجود کاربست گسترده نظریه‌های بارت در نقد ادبی، بررسی نظام‌مند رمان‌های مهم عربی مانند «ذاکره الجسد» که از مهمترین آثار مستغانمی است، با این چارچوب، می‌تواند به غنای مطالعات بینارشته‌ای بیانجامد. دوم، ضرورت متنی است؛ رمان «ذاکره الجسد» اثر احلام مستغانمی، به‌عنوان نمونه‌ای برجسته و پرفروش از ادبیات معاصر عربی، بستری مناسب برای تحلیل روایی است. این اثر با تلفیق ژانرهای خاطره، عشق و تاریخ، و نیز پرداختن به مسائل هویتی، سیاسی و اجتماعی در بستر تاریخ معاصر الجزایر، ظرفیتی غنی و لایه‌ای برای بررسی از منظر رمزگان‌های بارت دارد. تحلیل این رمان تنها از منظر محتوایی کافی نیست و کمبود یک تحلیل ساختاری و روایت‌شناسانه به عنوان یک خلأ پژوهشی احساس می‌شود.

۱. Roland Gérard Barthes

در این راستا، هدف اصلی این پژوهش عبور از توصیف ساده محتوای رمان و ارائه تحلیلی عمیق از سازوکارهای تولید معنا در آن است. مقاله حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه روایت‌شناسی ساختاری رولان بارت و با روش تحلیلی-توصیفی، این رمان را بر اساس پنج رمزگان مذکور تحلیل کند و به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد:

۱. رمزگان چیستانی و کنشی رولان بارت چگونه در رمان ذاکرة الجسد احلام مستغانمی سبب پویایی روایت و ایجاد تعلیق می‌شوند؟

۲. نقش رمزگان نمادین و فرهنگی در انعکاس هویت فردی و جمعی شخصیت‌ها در رمان ذاکرة الجسد چیست؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی بخاطر محتوا و ارزش بالایی که دارد، تاکنون مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است. در ادامه، پژوهش‌های که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند، از قدیم به جدید آورده می‌شوند:

احمد رضا صاعدی (۱۳۹۳) «مقایسه ساختار بازگشت زمانی در رمان «دو دنیا» نوشته گلعلی ترقی و رمان «ذاکرة الجسد» نوشته احلام مستغانمی». این مقاله با انجام بررسی تطبیقی و با تکیه بر دیدگاه ژرار ژنت در تقسیم‌بندی زمان روایت، ساختار حرکت زمانی دو رمان را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازگشت‌های زمانی در رمان «ذاکرة الجسد»، به دلیل حضور پررنگ بعد عاطفی و تحلیلی قهرمان، در مقایسه با رمان «دو دنیا» از پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

علی اصغر حبیبی (۱۳۹۳) «بررسی سه مؤلفه زمانی «نظم»، «تداوم» و «بسامه» در رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی بر اساس نظریه زمان روایی ژرار ژنت». در این مقاله، نویسنده با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است مؤلفه‌های گوناگون زمان روایی را بر اساس نظریه ژنت در رمان مورد نظر بررسی کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که روند روایت در این رمان مبتنی بر شکست زمان و رفت و برگشت‌های زمانی منسجم است.

علی عدالتی نسب (۱۳۹۴) «تحلیل سبک‌شناختی آثار داستانی احلام مستغانمی با تکیه بر رمان «ذاکرة الجسد»». این مقاله به بررسی سبک نویسندگی احلام مستغانمی با شیوه توصیفی-تحلیلی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آثار داستانی مستغانمی از ویژگی‌های فنی نوین و تکنیک‌های سبکی برجسته‌ای همچون تمرکز بر درون شخصیت‌ها، وضوح و شفافیت، تکرار به‌ویژه در اسلوب تعجب، تشخیص، هنجارگریزی و وصف دقیق برخوردار است.

حسن گودرزی لمراسکی (۱۳۹۴) «پیرنگ و عناصر ساختاری آن در رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی». این جستار با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی پیرنگ و اجزای سازنده آن در رمان مذکور پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که این رمان از پیرنگی منسجم و قوی برخوردار است و تمام حوادث آن بر اساس رابطه علی و معلولی به هم پیوند خورده‌اند. همچنین، تمام گره‌های داستانی گشوده می‌شوند و خواننده از سرنوشت شخصیت‌ها آگاهی می‌یابد.

علی اکبر احمدی (۱۳۹۸) «بررسی تطبیقی اندیشه پسااستعماری در رمان «ذاکرة الجسد» احلام مستغانمی و «همسایه‌ها» احمد محمود». یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مستغانمی و احمد محمود در این دو رمان، با استفاده از تعبیر مستقیم و غیرمستقیم، درصدد کشف و نقد تلاش‌های استعمار نوین برای نابودی هویت و استقلال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملل مشرق زمین، به‌ویژه کشورهای اسلامی، برآمده‌اند.

مهران نجفی حاجی‌پور (۱۴۰۰) «بررسی و تحلیل جلوه‌های رمانتیسیم اجتماعی در رمان «ذاکرة الجسد» نوشته احلام مستغانمی». نویسنده در این مقاله با روش تحلیل محتوا، به بررسی دقیق مؤلفه‌های رمانتیسیم اجتماعی در رمان «ذاکرة الجسد» پرداخته است. مستغانمی در چهارچوب رمانتیسیم و با به‌کارگیری شیوه‌های زبانی هوشمندانه، توانسته دردها و دغدغه‌های اجتماعی خود و جامعه را به عنوان یک روشنفکر معاصر به مخاطب انتقال دهد. او ملی‌گرایی، مسائل اجتماعی-سیاسی، نابرابری، فساد دستگاه حاکم بر الجزایر، فقر اقتصادی و فرهنگی، سرخوردگی از انقلاب استقلال طلبانه و ناامیدی نسبت به نسل پس از انقلاب را در قالب تصاویر و توصیف‌های عاشقانه و غنایی به تصویر کشیده است.

مسعود باوان‌پوری و همکاران (۱۴۰۱) «شخصیت‌پردازی چهره‌های مقاومت در رمان ذاکرة الجسد احلام مستغانمی». نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عنصر شخصیت و شیوه‌های شخصیت‌پردازی در رمان «ذاکرة الجسد» پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت‌های این رمان عمدتاً به صورت مستقیم و با بیان صریح ویژگی‌ها پردازش شده‌اند. همچنین، نویسنده با به‌کارگیری همزمان روش شخصیت‌پردازی غیرمستقیم و ایجاد ارتباط منسجم بین شخصیت‌ها و دیگر عناصر داستانی، نقش بسزایی در استحکام ساختار روایی اثر ایفا کرده است.

صیاد پناهی و همکاران (۱۴۰۳) «تحلیل تطبیقی رویکرد فرهنگی زنانه‌نویسی در رمان‌های «ذاکرة الجسد» و «هرس» بر پایه نظریه الین‌شوالتر». این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به مقایسه دو رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی و «هرس» اثر نسیم مرعشی بر اساس رویکرد فرهنگی از نظریه چهارگانه الین‌شوالتر پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر دو اثر، با تعلق به مرحله فمینیسم در سنت نوشتاری شوالتر، بازتاب‌دهنده مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی زنانه‌نویسی هستند. مصادیق حاکمیت مردسالاری، تابوهای سنتی و باورهای زنانه به طور برجسته‌ای در هر دو رمان تجلی یافته و تصویری روشن از وضعیت زنان و آرمان‌های آنان ارائه کرده‌اند.

بنابراین پژوهش حاضر با عنوان «روایت‌شناسی ساختاری رمان «ذاکرة الجسد» بر اساس رمزگان پنجگانه رولان بارت»، از دو جهت از مطالعات پیشین متمایز می‌شود. اولاً، درحالی که تحقیقات قبلی عمدتاً بر تحلیل مؤلفه‌هایی چون زمان روایی، شخصیت‌پردازی، درون‌مایه‌های اجتماعی یا سبک‌شناسی متمرکز بوده‌اند، این پژوهش با اتکا به چارچوب نظری رمزگان پنجگانه بارت، به تحلیل لایه‌های عمیق‌تر معناسازی در متن می‌پردازد. ثانیاً، رویکرد این مقاله معطوف به نقش فعال خواننده در تولید معنا و بررسی «نوشتنی» بودن اثر است، در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین بیشتر به جنبه‌های محتوایی و ساختار خطی روایت پرداخته‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش

رمزگان‌ها به عنوان نظام‌های نشانه‌ای تعریف می‌شوند که با به‌کارگیری مجموعه‌ای از نشانه‌ها و قواعد حاکم بر ترکیب آن‌ها، به تولید پیام‌های معنادار می‌پردازند. در واقع، آن‌ها چارچوبی را تشکیل می‌دهند که درون آن، متن معنای خود را می‌یابد (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). رولان بارت، نظریه‌پرداز برجسته، استدلال می‌کند که هر متنی از پنج رمزگان تشکیل شده و از طریق این رمزگان‌ها می‌توان کلیه جنبه‌های مهم متن را مورد بررسی قرار داد (همان: ۲۲۱). فرآیند تحلیل او سه مرحله اصلی را دربرمی‌گرفت: تحلیل عنوان کتاب از نظر معناشناسی و جنسیت، بررسی جمله آغازین داستان و رمزگان‌های موجود در آن، و در نهایت، تحلیل سایر واحدهای متنی (اسکولز، ۱۳۹۳: ۷۴). نظریه بارت شامل مؤلفه‌های است که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می‌شود:

۲-۱. رمزگان پنج‌گانه رولان بارت

۲-۱-۱. رمزگان کنشی^۱

این رمزگان به توالی‌های کنشی کوچکی اشاره دارد که روایت را پیش می‌برند. این کنش‌ها هنگامی معنا می‌یابند که به مجموعه‌ای از جزئیات، عنوانی مشخص نسبت داده شود. این رمزگان با زنجیره رویدادهایی سر و کار دارد که در فرآیند خوانش، ثبت و نام‌گذاری می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵۶؛ پین، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

۲-۱-۲. رمزگان چیستانی^۲

این رمزگان شامل تمام واحدهایی است که به طرح پرسش، ارائه پاسخ، یا به تأخیر انداختن آن می‌پردازند و گاه با ایجاد تعلیق، خواننده را با معماهای داستانی مواجه می‌سازند. بارت برای فرآیند طرح و حل معما در این رمزگان، ده مرحله را شناسایی کرده است که از موضوعیت‌بندی معما تا آشکارسازی نهایی حقیقت را دربرمی‌گیرد (Bowman, 2000: 21).

۲-۱-۳. رمزگان معنایی^۳

این رمزگان به دلالت‌های شخصیتی، روان‌شناختی و محیطی اشاره دارد که اغلب به صورت ضمنی و بدون ذکر صریح در متن بیان می‌شوند. برای مثال، از طریق این رمزگان درمی‌یابیم که شخصیتی «عصبی» است، بدون آنکه واژه «عصبی» در متن به کار رفته باشد. این رمزگان با بهره‌گیری از دال‌های خاص، خواننده را به ساخت معناهای چندگانه رهنمون می‌سازد (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۲-۱-۴. رمزگان نمادین^۴

تحلیل بر اساس این رمزگان، جست‌وجوی مجموعه‌ای از تقابل‌های دوقطبی در متن است که به آن معنا می‌بخشند. این تقابل‌ها معمولاً در سطحی عمیق‌تر، مضامین و مفاهیم نمادین اثر را شکل می‌دهند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). این رمزگان شامل نمادها، تضادها، تقابل‌ها و کهن‌الگوهای است که مفاهیم عمیق را در قالب تصاویر، اشیاء، شخصیت‌ها یا مکان‌ها نمایان می‌کنند. تحلیل این رمزگان، به کشف معانی پنهان، درون‌مایه‌های اصلی و پیام‌های جهان‌شمول اثر کمک می‌کند.

۲-۱-۵. رمزگان فرهنگی و ارجاعی^۵

این رمزگان به بازنمایی دلالت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک می‌پردازد و شناختی کلی از فضای فرهنگی حاکم بر داستان ارائه می‌دهد. این دلالت‌ها معمولاً در قالب امثال، حقایق علمی، کلیشه‌ها و ... نمود می‌یابند که واقعیات زندگی انسان را بازمی‌تابانند (Barthes, 1970: 18). در میان این پنج رمزگان، رمزگان‌های کنشی و چیستانی نقش محوری در پیشبرد روایت و ایجاد حرکت داستانی ایفا می‌کنند، در حالی که سه رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی، اطلاعات اساسی و لایه‌های عمیق معنایی را برای درک جامع رمان فراهم می‌سازند.

۱. Proairetic

۲. Hermeneutic

۳. Semic

۴. Symbolic

۵. Referential

۲-۲. احلام مستغانمی و فضای رمان «ذاکرة الجسد»

احلام مستغانمی، نویسنده و شاعر زن معاصر الجزایری، در سال ۱۹۵۳ در خانواده‌ای مبارز و انقلابی متولد شد. او تحصیلات خود را در رشته ادبیات عربی در دانشگاه الجزیره و دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه سوربن فرانسه به پایان رساند. مستغانمی با انتشار رمان پرفروش «ذاکرة الجسد» در سال ۱۹۹۳، و کسب جایزه نجیب محفوظ بسیار مشهور شد. وی مهارت بی‌نظیر در استفاده از زبان عربی و پرداختن به مضامین اجتماعی و هویتی دارد و او را به چهره‌ای تأثیرگذار در ادبیات معاصر عربی تبدیل کرده است (کریم، ۱۹۰۰: ۵۷). رمان ذاکرة الجسد با روایت اول‌شخص، داستان زندگی «خالد بن طوبال» را از شهر قسنطینه در الجزایر بازگو می‌کند. دوران جوانی خالد هم‌زمان با جنگ استقلال الجزایر از استعمار فرانسه است. او همچون بسیاری از هم‌وطنانش برای دفاع از وطن به جبهه‌های نبرد می‌پیوندد و در آنجا با فرمانده‌ای به نام «سی طاهر» آشنا می‌شود؛ مردی که بعدها نقش مهمی در سرنوشت او دارد؛ چراکه سی طاهر پدر «حیات» (احلام) است - زنی که بخش عمده‌ی حوادث داستان پیرامون او و خالد می‌چرخد. در یکی از عملیات‌ها، دست چپ خالد مجروح و قطع می‌شود. پس از جنگ، با تشویق پزشک معالجش به نقاشی روی می‌آورد و در این هنر به مهارت بالایی دست می‌یابد. با وجود پایان جنگ، اوضاع کشور نابسامان است، از این‌رو خالد به پاریس مهاجرت می‌کند و در آنجا نمایشگاهی از آثارش برگزار می‌نماید. در همین نمایشگاه، به‌طور اتفاقی با حیات - دختر فرمانده‌اش طاهر - روبه‌رو می‌شود. خالد او را می‌شناسد و از همان دیدار نخست شیفته‌اش می‌گردد. میان آن دو رابطه‌ای عاشقانه شکل می‌گیرد، اما به‌دلیل ترس از عموی حیات، «سی شریف»، این رابطه پنهان می‌ماند؛ چرا که فاصله‌ی سنی میان خالد و حیات نزدیک به سی سال است. مدتی بعد، یکی از دوستان قدیمی خالد به نام «زیاد الخلیل» که از مبارزان سابق نیز هست، برای دیدار او به پاریس می‌آید. زیاد در همانجا با حیات آشنا می‌شود و میان آن دو نیز عشقی تازه جوانه می‌زند. حیات به‌تدریج از خالد فاصله می‌گیرد و به او خیانت می‌کند. زیاد اما در نهایت پاریس را ترک می‌گوید تا بار دیگر برای آرمان‌هایش بجنگد. پس از مدتی، عموی حیات با خالد تماس می‌گیرد و او را به مراسم ازدواج حیات در قسنطینه دعوت می‌کند. این خبر برای خالد تکان‌دهنده است و او را در اندوهی عمیق فرو می‌برد. با وجود دلتنگی و تلخی گذشته، به قسنطینه بازمی‌گردد. در آنجا دوستان قدیمی، برادرش حسان و خانواده‌ی او را ملاقات می‌کند. شهر، با همه‌ی خیابان‌ها، پل‌ها و زندان‌هایش، یادآور خاطراتی تلخ و شیرین از گذشته است، اما دیگر برای خالد جذابیتهایی ندارد؛ قسنطینه‌ی او دیگر آن شهر پرشور دوران جوانی نیست. خالد دوباره به پاریس برمی‌گردد، اما پس از مدتی خبر کشته شدن برادرش حسان در الجزایر باعث می‌شود بار دیگر به قسنطینه بازگردد تا از خانواده‌ی او مراقبت کند. در آنجا تصمیم می‌گیرد نویسندگی را آغاز کند تا از طریق قلم، تمام دردها، خاطرات، عشق ازدست‌رفته و خیانت حیات را بازگو کند؛ به این امید که از راه نوشتن، انتقام خاموش خود را بگیرد.

۳. رمزگان پنجگانه روبان بارت در رمان «ذاکرة الجسد»

۱-۳. رمزگان چیستانی

هر روایتی یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی می‌تواند داشته باشد. در رمان «ذاکرة الجسد»، نام رمان خود یک رمزگان هرمنوتیکی است. از این جهت که در ذهن خواننده این سوال شکل می‌گیرد که مقصود از خاطرات تن چه خاطراتی است و واژه تن به کدام یک از شخصیت‌های رمان باز می‌گردد؟ پاسخ این معما در طول داستان و خاطراتی که راوی رمان یعنی خالد روایت می‌

کند، به دست می‌آید. معمای دوم در ابتدای داستان احلام مستغانمی شکل می‌گیرد؛ زمانی که خالد از اتفاقاتی که میان او و احلام رخ داده بود، صحبت می‌کند:

«فما أجمل الذي حدث بيننا. ما أجمل الذي لم يحدث ... ما أجمل الذي لن يحدث..» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۷).

خواننده پس از خواندن این جملات این سوال در ذهنش شکل می‌گیرد که این اتفاقات چیست و چه چیزی مانع شده تا اتفاقات بعدی شکل نگیرد؟ این جواب گام به گام و به تدریج در طول داستان پاسخ داده خواهد شد. معمای بعدی زمانی شکل می‌گیرد که سی طاهر، برگه‌ای را که آدرس خانه‌اش در تونس است، به همراه مقداری پول در جیب خالد می‌گذارد و از او می‌خواهد که برای دخترش شناسنامه بگیرد:

«لو قدر لك أن تصل إلى هناك .. أتمنى أن تذهب لزيارتهم حين تشفى وتسلم هذا المبلغ إلى (أما) لتشتري به هدية للصغيرة، وأود أيضاً أن تقوم بتسجيلها في دار البلدية لو استطعت ذلك .. فقد يمر وقت طويل قبل أن أتمكن من زيارتهم.. ولماذا هذا الاستعجال المفاجئ؟ لماذا لا ينتظر بعض الوقت ليرتب قضية غيابه لأيام، ويقوم هو نفسه بتسجيلك؟» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۶-۳۷).

در اواسط داستان خواننده به این پاسخ خواهد رسید که شاید دلیل تعجیل سی طاهر در این بوده که احتمال شهادت خود را می‌داد و در آن زمان بیش از هر فرد دیگری به خالد اعتماد داشته است. اندکی که جلوتر می‌رویم، متوجه می‌شویم که خالد ساکن پاریس است. کسی که از انقلابیون الجزائر شناخته می‌شود چگونه تن به زندگی در شهری غربی داده و پشت تصمیم او چه علتی وجود دارد؟ به تدریج که داستان پیش می‌رود، درمی‌یابیم خالد از قسنطنیه نه به دلیل تکراری بودن، بلکه به این دلیل گریخته است که می‌ترسد پذیرفتن مسئولیت‌های پیش‌رو، او را به همان کسانی شبیه کند که از موقعیت خود سوء استفاده کرده و به آرمان‌های انقلاب پشت می‌کنند. این ترس در گفت‌وگوی درونی راوی، آن‌گاه که با احلام سخن می‌گوید، به معمایی تازه بدل می‌شود:

«سأحدثك عن الذين أحبوك لأسباب مختلفة، وختهم لأسباب مختلفة أخرى... سأحدثك حتى عن زیاد، أما كنت تحبين الحديث عنه وتراوغي؟ لم يعد من ضرورة الآن للمراوغة .. لقد اختار كل منا قدرة» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۴۷).

معماهایی نظیر این که چه مسائلی باعث خیانت خالد به کسانی شد که احلام را دوست داشتند، زیاد کیست و چرا احلام کنج‌کاو «زیاد» بوده است؟ چه چیزی تغییر کرده است که دیگر ضرورتی برای فریب کاری وجود ندارد؟ و سرنوشتی که راوی از آن سخن می‌گوید چه سرنوشتی است؟، طرح می‌شود. در متن رمان از زیاد صحبت می‌شود. زمانی که خالد برای احلام از زیاد و کتاب‌هایش می‌گوید؛ از خاطره‌ای که از او دارد، آن هنگام که از چاپ کتابش بدون اصلاح ممانعت کرده و پاسخی که از زیاد دریافت کرده بود، می‌گوید. زمانی که خالد چند کتاب زیاد را به احلام می‌دهد تا در تعطیلات مطالعه کند و آن زمان که نامه زیاد به دست خالد می‌رسد و پس از مدتی یک دیگر را در پاریس ملاقات می‌کنند:

«سأحدثك عن تلك المدينة التي كانت طرفاً في حبنا، والتي أصبحت بعد ذلك سبباً في فراقنا، وانتهى فيها مشهد خرابنا الجميل» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۴۸).

سؤالی که ذهن خواننده را به خود مشغول می‌کند این است که راوی از چه شهری سخن می‌گوید؟ و چگونه عشقی را رقم می‌زند و چگونه یک شهر می‌تواند سبب دوری شود؟

«في ذلك اليوم، سعدت و أنا أرى «كأترین» تدخل القاعة. جاءت متأخرة كما كنت أتوقع أتيقة كما كنت أتوقع داخل فستان أصفر...» (همان: ۷۱)

اولین چرایی که بعد از اضافه شدن شخصیت بعدی زمان شکل می‌گیرد این است که کاترین کیست و نسبتش با خالد چیست؟ این اثر پر از سوالات متعدد است؛ که از ذهن مخاطب می‌پرسد؛ چرا؟

راوی در داستان خود به تدریج پاسخ این سؤال را به خواننده می‌دهد. ابتدا زمانی که احلام با حسی از کنجکاوای زنانه درباره یکی از تابلوهای خالد می‌پرسد؛ تابلویی نقاشی شده به اسم «پوزش» از چهره زنی با موهای بلوند. تابلو نقاشی چهره‌ی کاترین است. خالد با کمی اکراه داستان اولین روزی را که کاترین مدل برهنه‌ی یک جلسه نقاشی بود، را روایت می‌کند. این فرآیند، یک استراتژی روایی ظریف است که از طریق رمزگان هنری، لایه‌ای دیگر از هویت چندپاره و خاطره‌زدگی خالد را آشکار می‌سازد، تقابل‌های بنیادین رمان (شرق/غرب، وطن/تبعید، عشق گذشته/عشق حال) را تقویت می‌کند و در نهایت، بر این ایده‌ی مرکزی مهر تأیید می‌زند که هویت، مجموعه‌ای از متون نمادین (بدن، تابلو، خاطره) است که باید رمزگشایی شوند.

روزی که خالد به جای نقاشی بدن برهنه‌ی کاترین، فقط چهره‌ی او را نقاشی کرده و در پاسخ به سرزنش او که سرشار از دلخوری بوده، این کلمات را گفته بود:

«فاعذرني. إن فرشتاتي تشبهي، إنها تكره أيضاً أن تتقاسم مع الآخرين امرأة عارية .. حتى في جلسة رسم!» (همان: ۹۵).
در قدم بعدی این پاسخ به خواننده داده می‌شود که کاترین تبدیل به دوستی برای خالد شده که گاهی به خالد سر می‌زد بی‌آنکه دخالتی در زندگی یک دیگر داشته باشند. در ادامه رمان بعد از اینکه خالد و احلام یک دیگر را در گالری ملاقات می‌کنند و قرار می‌شود که احلام روز دوشنبه برای دومین بار به گالری خالد بیاید، معمای بعدی طرح می‌شود:
«ماذا أقول لك لو انفردت بك يوم الاثنين؟ من أين أبدأ معك الحديث .. وكيف أقص عليك تلك القصة العجيبة، قصتنا؟» (همان: ۷۸).

این حدیث نفس است و جریان سیال ذهن خالد در واگویه‌های خود زمانی که احلام را مخاطب خود قرار می‌دهد. وقتی این جملات را می‌گوید منظور او از «داستان استثنایی» و «داستانمان» چیست؟ چگونه می‌شود. پیشامدی بین دو نفر رخ دهد بی‌آنکه یکی از آن دو نفر از آن اطلاعی داشته باشد؟

«ربما كان هذا الأسبوع هو أجمل الأيام التي قضيتها مع زياد، والتي حاولت بعد ذلك ولعدة سنوات ألا أذكر غيرها، حتى لا أشعر بالمرارة ولا بالحسرة على كل ما عشته بعدها عن خطأ أو عن صواب» (المستغانمي، ۲۰۰۰: ۱۹۷).

بعد از ملاقات زیاد و بعد از آن هفته چه اتفاقاتی رخ داد که خالد از به خاطر آوردن آنها فراری است؟ این معما نیاز در ادامه رمان گام به گام پاسخ داده خواهد شد. گویی این رمان یک کلاف پیچیده معماگونه است. که نویسنده از قصد آن را جهت ترغیب و فعال‌سازی ذهن مخاطب ایجاد کرده و در پس هر معمایی معمای دیگری نهفته است تا کشمکش ذهنی در مخاطبان ایجاد کند.

چند روز پس از آن که خالد احلام و زیاد را مقابل یکدیگر قرار می‌دهد و به هم معرفی می‌کند، معمایی جدید شروع می‌شود. رابطه احلام و زیاد صمیمی‌تر می‌شود و حسادت خالد را بر می‌انگیزد. خالد احساس می‌کند که عشق او به احلام تبدیل به مثلث عشقی شده و توجه احلام را معطوف به زیاد می‌بیند. تا انتهای رمان مشخص نمی‌شود که آیا خالد دچار شک و بدبینی شده است و یا این خطای او بوده که این سرنوشت را برایش رقم زده است؟ در بخشی از رمان زمانی که خالد احلام و زیاد پس از سفری که

خالد از آن برگشته است، دوباره در خانه مقابل یک دیگر قرار می‌گیرند معمایی دیگر شکل می‌گیرد؛ زمانی که احلام در مقابل زیاد درباره نامه ای که خالد برایش نوشته، صحبت می‌کند.

«ثم شكرتني على رسائلي، وأبدت إعجابك بأسلوبتي .. وكأنك أستاذة قدم لها تلميذ نصاً إنشائياً . أزعجني شكرك العلني، وشعرت أنك حدثت زياد عنها وربما أريته إياها أيضاً.» (همان: ۲۲۲).

پاسخ به این سوال که آیا واقعا احلام آن نامه‌ها را به زیاد نشان داده یا درباره‌اشان با زیاد صحبت کرده است، مانند معمای قبلی تا انتهای زمان بدون پاسخ می‌ماند و ذهن خواننده را مشغول نگه می‌دارد.

۲-۳. رمزگان کنشی

این رمزگان مربوط به کنش‌ها و اثرات آنهاست. برای درک بهتر رمزگان کنشی لازم است ابتدا با پی رفت آشنا شویم منظور از پی رفت سطحی بالاتر از گزاره است که می‌تواند احساس روایتی کامل را در خانواده ایجاد کند. پی رفت از پنج گزاره تشکیل شده است: موقعیتی متعادل تشریح می‌شود، نیرویی موقعیت متعادل را به هم می‌زند، موقعیت نامتعادل به وجود می‌آید، نیرویی برخلاف نیروی گزاره دوم موقعیت متعادل را برقرار می‌کند، موقعیت متعادل تازه ای ایجاد می‌شود (تودورف، ۱۳۸۲: ۹۱).

بر اساس مدلی که در بالا ذکر شد، پی رفت رمان ذاکرة الجسد را به شکل زیر می‌توان ترسیم کرد:

۱. خالد که از انقلابیون نامدار الجزائر به شمار می‌آید، اکنون به تنهایی در شهر پاریس زندگی می‌کند. به تنهایی خود عادت کرده و با ناکامی‌هایی که زندگی برایش رقم زده، کنار آمده است. بعد از قطع شدن دستش در مقاومت الجزائر در همان جوانی به پیشنهاد پزشکانش شروع به نقاشی کرده و اکنون یکی از نقاشان معروفی است که تابلوهایش را در گالری‌های خود به نمایش می‌گذارد.

۲. خالد در یکی از همین گالری‌ها با احلام دختر سی طاهر فرمانده او در زمان جنگ، روبرو می‌شود. دختری که خالد خود برای او شناسنامه گرفته است؛ این دیدار شروع یک رابطه احساسی بین احلام و خالد به شمار می‌آید.

۳. پس از آن به صورت مستمر خالد و احلام یک دیگر را ملاقات می‌کنند و علاقه میان آنان روز به روز شدیدتر می‌شود.

۴. احلام برای تعطیلات قصد سفر به قسنطنیه را دارد تا تعطیلات را در کنار مادرش بگذراند. همچنین زیاد به پاریس می‌آید و در یک روز خالد، زیاد و احلام را در کافه‌ای به هم معرفی می‌کند. رفته رفته احلام رابطه‌اش را با خالد کم رنگ می‌کند به خصوص زمانی که خالد برای مدتی به یک سفر کاری می‌رود و زیاد و احلام را در شهری تنها می‌گذارد. این عدم توجه احلام به خالد بیش از پیش او را آزار می‌دهد و در نهایت یک روز، سی شریف در تماسی خالد را به جشن عروسی احلام در قسنطنیه دعوت می‌کند.

۵. خالد برخلاف تمایلش در جشن عروسی احلام شرکت می‌کند و بعد مدتی پس از عروسی دوباره به پاریس می‌رود و به

زندگی عادی خود بر می‌گردد.

۳-۳. رمزگان معنایی

شخصیت‌پردازی مناسب یکی از عوامل و معیارهای موفقیت در روایت‌مندی متن است. زمانی این موفقیت به درستی حاصل می‌شود که ارتباط پیوسته و معنادار متن با زمینه فرهنگی‌اش از طریق شخصیت‌های موجود در روایت برقرار شده باشد. در این بخش به رمزگان معنایی از طریق کنکاش شخصیت‌ها می‌پردازیم.

شخصیت احلام: احلام از حلم می‌آید به معنی آن چه که در خواب بینند. این واژه به طور ضمنی اشاره به کسی دارد که همچون رؤیایی برای خالد می‌ماند و گویی خالد، مدتی بعد از دیدن او از خواب غفلت بیدار شده و متوجه می‌شود که احلام را از دست داده است. در بررسی رمزگان معنایی در میان شخصیت‌های رمان در می‌یابیم که برخی از این شخصیت‌ها دارای رمزگان معنایی قوی‌تری نسبت به دیگری هستند. دو مورد از شخصیت‌های روایت از جهت رمزگان معنایی قوت بیشتری دارند و شخصیت آنها برای خواننده شفاف‌تر است. شخصیت احلام را به طور مشخص می‌توان نماد فردی منطقی دید که با وجود احساسات قوی، راه عقل را در پیش می‌گیرد. سی طاهر نماد شخصیتی است که مورد ستایش و الگوی اطرافیانش قرار می‌گیرد. فردی با اراده قوی و احساساتی قوی که بر آن تسلط دارد و می‌داند چگونه خود و احساساتش را برای هدفی بزرگ مدیریت کند.

۴-۳. رمزگان نمادین

از دیدگاه بارت در نظام نشانه‌شناسی معنا امری مستقل و فی‌ذاته نیست بلکه این وجه افتراقی نشانه و تقابل‌سازی زمینه‌ی معنا سازی را ایجاد می‌کند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۱۳۹). در رمان دائماً با تقابل‌هایی روبرو می‌شویم که به متن روایت هویت و زیبایی می‌بخشند. نبود این تقابل، می‌تواند ذهن مخاطب را از روایت خسته کند عشق را در برابر نفرت قرار می‌دهد. زمانی که احلام با روی عشقش می‌گذارد خالد تلاش می‌کند تا عشق خود به احلام را به نفرت تبدیل کند تقابل میان زن و مرد در روایت که بین دو شخصیت احلام و خالد برجسته‌تر است. تقابل میان مقاومت و سازش در آنجایی که انقلاب الجزائر پیروز می‌شود اما برخی از سیاستمداران آن که خود زمانی مبارز نیز بودند سازش را به مقاومت ترجیح داده و از مقاومت خود عقب‌نشینی می‌کنند. همچنین تقابل میان سازش طلبان و انقلابیون انقلابیونی مثل سی طاهر، خالد، زیاد که به انقلاب خود پایبند می‌مانند اما کسانی مثل سی شریف تفکرات انقلابی‌شان رنگ باخته و عقب می‌نشینند. تقابل سنت و مدرنیته نمود اصلی مدرنیته در پاریس و نمود اصلی سنت نیز در خانه برادر خالد دیده می‌شود. تقابل دو زبان عربی و فرانسوی بیشترین نمود آن در آن قسمت از روایت است که احلام با خالد از زبانی که برای نوشته‌هایش انتخاب کرده صحبت می‌کنند و تقابل آخر که به آن اشاره کردیم تقابل پیروزی و شکست است. این تقابل زمانی در زمین مبارزه بود مبارزه انقلابیون در برابر استعمار فرانسه و پس از آن این تقابل را در احساسات شخصیت‌های داستان مشاهده می‌کنیم. می‌توان گفت پایه و اساس روایت بر اساس این تقابل‌ها شکل گرفته است. عشقی که روزی خالد را به اوج بی‌قراری کشانده است و روزی دیگر جای خود را به نفرت و کینه می‌دهد. عاشق، مردی به نام خالد است و ناتوانی او در برابر زنی که نامش احلام بود. خالد، یکی از مبارزان الجزائر بود. زمانی که برخی از هموطنان او پرچم صلح و سازش را در برابر فرانسه به دست گرفته بودند، خالد و همزمانش به فرماندهی سی طاهر مقابل فرانسه ایستادند و به پیروزی رسیدند. در این رمان رمزگان فرهنگی و ارجاعی به شکل قابل توجهی به کار رفته است. تقابل دو قطبی سنت و مدرنیته آداب و رسوم الجزائر در مقابل شهر مدرن فرانسه کاملاً در متن و مفهوم زمان آشکار است. انسان‌هایی شبیه به حسان که پایبند به سنت ماندند و کسانی که از سنت قسطنطنیه خسته بودند و مسحور مدرنیته شدند، کاملاً مشخص است.

۵-۳. رمزگان فرهنگی ارجاعی

رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن به بیرون به دانش عمومی مانند هنر، پزشکی سیاست، ادبیات و... است و قلمرو اسطوره‌شناسی و ایدئولوژی محسوب می‌شود (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۱) رمان ذاکرة الجسد، سرشار از رمزگان فرهنگی ارجاعی است که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم. در ابتدای رمان نویسنده یکی از سنت‌های قسطنطنیه را این گونه به مخاطب منتقل می‌کند:

«فتنسحب لتعود بعد لحظات بصينية قهوة نحاسية كبيرة عليها إبريق، وفناجين، وسكرية، ومرش لماء الزهر، وصحن للحلويات. في مدن أخرى تقدم القهوة جاهزة في فنجان، وضعت جواره مسبقاً ملعقة وقطعة سكر» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۸).

در اولین رمزگان فرهنگی به فرهنگ الجزائر اشاره می‌شود که چگونه برای آوردن یک قهوه هم از تشریفات سنتی کم نمی‌گذارند:

«كان إحدى الحلي القسنطينية التي تعرف من ذهبها الأصفر المصفور، ومن نقشها المميزة. تلك الخلاخل التي لم يكن يخلو منها في الماضي، جهاز عروس ولا معصم امرأة من الشرق الجزائري» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۵۳).

در این رمزگان فرهنگی به زینت‌آلات معروف قسنطنیه اشاره می‌شود و در مورد آن توضیح می‌دهد. در قسمت‌های زیادی از رمان به مقاطعی از ترانه‌ها و سرودهای الجزائری اشاره شده است. همراه با احساس خوشایندی مردمانش از شنیدن و خواندن این ترانه‌ها و سرودها. همچنین در بخش‌هایی از رمان برخی از عادت‌های قسنطنیه به تصویر کشیده شده است:

«أتابع في نظرة غائبة خطواته المتجهة نحو المسجد المجاور. وما يليها من خطوات لمارة آخرين بعضها كسلى، وأخرى عجلي متجهة جميعها نحو المكان نفسه» (همان: ۱۲).

این رمزگان می‌تواند اشاره به پابندی مردم الجزائر به عادات عمومی مذهبی داشته باشد. نویسنده در روایت خود خواننده را به ماجرای نرون و معشوق‌اش ارجاع می‌دهد:

«من يناقش الطغاة في عدلهم أو ظلمهم؟ ومن يناقش نرون يوم أحرق روما حباً لها، وعشقا لشهوة اللهب. وأنت، أما كنت مثله امرأة تحترف العشق والحرائق بالتساوي؟» (همان: ۱۹).

دوباره کمی که جلوتر می‌رویم نویسنده خواننده را ارجاع می‌دهد به شعر هنری می‌شود:

«أمسيات.. أمسيات... كم من مساء الصباح واحد» (همان: ۲۲).

نویسنده در زمان خود از ضرب‌المثل‌های عامیانه تا حد زیادی نیز استفاده کرده که نوعی انعکاس رمزگان فرهنگی و تفکرات مردم است:

«لقد كان ذلك المثل الشعبي على حق إن الذي مات أبوه لم يتيتم .. وحده الذي ماتت أمه يتيتم... وكنت يتيماً، وكنت أعني ذلك بعمق في كل لحظة» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۲۷).

راوی در بخش دیگری از زمان خود اشاره‌ای به زندان کدیا می‌کند زندانی که در شرق الجزائر واقع شده و همچنین به واقعه ۸ می ۱۹۴۵ اشاره می‌کند:

«وكان سجن (الكديا) وقتها، ككل سجون الشرق الجزائري يعاني فجأة من فائض رجولة، إثر مظاهرات ۸ ماي ۱۹۴۵ التي قدمت فيها قسنطينة وسطيف وضواحيهما أول عربون للثورة...» (همان: ۳۰).

در این زمان از مردانی مبارز و مشهور نام برده می‌شود که جزئی از تاریخ هستند:

«لقد خلق ليكون قائداً. كان فيه شيء من سلالة طارق بن زياد، والأمير عبد القادر، وأولئك الذين يمكنهم أن يغيروا التاريخ بخطبة واحدة... كان من طينة ديدوش مراد ومن عجينة العربي بن مهدي ومصطفى بن بولعيد، الذين كانوا يذهبون إلى الموت ولا ينتظرون أن يأتيهم» (المستغانمی، ۲۰۰۰: ۳۲-۴۴).

از جمله به شخصیت طارق بن زیاد اشاره کرده که یکی از سرداران دستگاه خلافت اموی که رهبری سپاه اسلام در جریان فتح اندلس را بر عهده داشت؛ و امیر عبدالقادر الجزائری، روحانی مجاهد شاعر، ادیب، عالم عارف و قهرمان ملی الجزائر در قرن

سیزدهم هجری نوزدهم میلادی بود. دیدوش مراد ملقب به سی عبدالقادر در المرادیه در حومه پایتخت الجزائر به دنیا آمد. قبل از ۱۶ سالگی به حزب مردم پیوست. او در حالی که هنوز ۲۸ ساله نشده بود در نبرد الصوادیق شهید شد. به این ترتیب اولین فرماندهی بود که در میدان شرف به شهادت رسید. عجینه العربی بن مهیدی در شهر عین ملیله واقع در شرق الجزائر به دنیا آمده بود بن مهیدی مبارز الجزائری و یکی از فرماندهان انقلاب الجزائر بود که نقش مهمی در آمادگی انقلاب مسلحانه ایفا کرد. او در سال ۱۹۵۷ دستگیر شد و تحت شکنجه به شهادت رسید. مصطفی بن بولعید در استان آریس باتنه الجزائر متولد شد. او پدر انقلاب الجزائر بود که در ۱۹۵۵ در تونس دستگیر و به اعدام محکوم شد اما فرار کرد. سرانجام در اثر انفجار یک بمب رادیویی به شهادت رسید. آوردن شخصیت‌های مشهور در رمان، هرگز اتفاقی نیست. این کار همیشه نشان‌گر یک انتخاب آگاهانه از سوی نویسنده است که می‌تواند چندین هدف داشته باشد: از جمله اینکه به داستانش اعتبار تاریخی ببخشد، زمان و مکان را دقیق‌تر مشخص کند، به درون‌مایه‌ها عمق بیشتری دهد، حس کنجکاوی و درگیری خواننده را برانگیزد و گاهی، دیدگاه جدیدی نسبت به تاریخ و اسطوره‌ها ارائه دهد. این تکنیک، پلی است بین جهان واقعی و جهان خیالی داستان، که به اثر غنا و پیچیدگی می‌بخشد.

۴- نتیجه‌گیری

رمزگان چیستانی و کنشی رولان بارت در رمان ذاکرة الجسد احلام مستغانمی، از عناصر بنیادین در شکل‌گیری تعلیق، کنجکاوی و پویایی روایت‌اند. نویسنده با طرح پرسش‌هایی پی‌درپی درباره‌ی هویت شخصیت‌ها، گذشته‌ی خالد و رابطه‌ی او با احلام و سوالات معماگونه دیگر، ذهن مخاطب را درگیر معماهایی می‌کند که پاسخ آن‌ها به تدریج و در طول روایت آشکار می‌شود. عنوان رمان «ذاکرة الجسد» خود یک معماست که معنا و مصداقش در جریان خاطرات و اعترافات راوی شکل می‌گیرد. نویسنده با به کارگیری این رمزگان، با تأخیر در افشای اطلاعات و با بهره‌گیری از تکنیک گفت‌وگوی درونی و جریان سیال ذهن، خواننده را در فرآیند معناسازی مشارکت می‌دهد. در کنار آن، رمزگان کنشی بر اساس الگوی پنج‌مرحله‌ای تودوروف، ساختار روایی را از تعادل آغازین (تنهایی خالد در پاریس) به بحران (عشق و حسادت) و سپس به تعادل تازه (بازگشت به انزوا) هدایت می‌کند. این حرکت چرخه‌ای، نه تنها انسجام داستان را تضمین می‌کند، بلکه عمق روان‌شناختی شخصیت‌ها را نیز آشکار می‌سازد. در نتیجه، رمزگان چیستانی و کنشی به مستغانمی امکان داده‌اند تا رمانی چندلایه خلق کند که در آن هر گره روایی، پلی میان گذشته و حال، عشق و شکست بسازد، و هر پرسش، افقی تازه از معنا را بگشاید.

رمزگان نمادین و فرهنگی در رمان ذاکرة الجسد نقش مهمی در بازنمایی بحران هویت فردی و جمعی ایفا می‌کنند و بستری برای معنابخشی به تجربه‌های تاریخی و عاطفی ملت الجزائر فراهم می‌سازند. مستغانمی از تقابل‌هایی چون سنت و مدرنیته، مقاومت و سازش، عشق و نفرت، شرق و غرب بهره می‌گیرد تا دوگانگی درونی شخصیت خالد و جامعه‌ی پس از انقلاب را نشان دهد. پاریس، نماد مدرنیته و گسست از گذشته عربی الجزائری و فراموشی آن است، در حالی که قسنطینه یادآور اصالت، ریشه و حافظه‌ی جمعی ملت الجزایر است. این دو فضا در ذهن و زندگی خالد به هم می‌رسند و او را به مجسمه‌ای از دوگانگی فرهنگی بین الجزایر و پاریس بدل می‌کنند. افزون بر این، رمزگان فرهنگی ارجاعی از طریق یاد کرد چهره‌های تاریخی چون طارق بن زیاد و امیر عبدالقادر، پیوندی میان تاریخ مقاومت و روایت ادبی برقرار می‌کنند و به متن عمق تاریخی می‌بخشد. بدین ترتیب، مستغانمی از طریق نمادها و ارجاعات فرهنگی، هویتی چندوجهی می‌سازد که در آن فرد، تاریخ و عشق در هم تنیده‌اند و معنای تازه‌ای از وطن و انسان معاصر الجزائری پدید آمده است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۸) *ساختار و تأویل*، متن، تهران: مرکز.
- احمدی، علی اکبر؛ سهیلا دارابی (۱۳۹۸) «بررسی تطبیقی اندیشه‌های پسااستعماری در رمان ذاکرة الجسد احلام المستغانمی و همسایه‌ها احمد محمود»، *ادبیات معاصر جهان*، شماره ۲، صص ۳۰۷-۳۳۴.
- اسکولز، رابرت (۱۳۹۳) *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، [مترجم: فرزانه طاهری]، تهران: آگه.
- آلن، گراهام (۱۳۸۵) *بینامتنیت*، [مترجم: پیام یزدان‌جو]، تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۹۹) «اس/زد» به همراه داستان سارازین اثر بالزاک، [مترجم: سپیده شکاری‌پور]، تهران: افراز.
- بارت، رولان (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*، [مترجم: محمد راغب]، تهران: فرهنگ صبا.
- باوان پوری، مسعود؛ سیدمصطفی احمدپناه؛ حدیثه متولی (۱۴۰۱) «شخصیت‌پردازی چهره‌های مقاومت در رمان ذاکرة الجسد احلام مستغانمی»، *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب*، شماره ۲، صص ۶۸-۸۱.
- پناهی، صیاد؛ حمید ولی‌زاده؛ مهین حاجی‌زاده (۱۴۰۳) «تحلیل تطبیقی رویکرد فرهنگی زنانه‌نویسی در رمان ذاکرة الجسد و هرس بر پایه نظریه الین شوالتر»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، شماره ۲، صص ۲۵-۴۷.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲) *بوطیقای ساختارگرا*، [مترجم: محمد نبوی]، تهران: آگه.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷) *مبانی نشانه‌شناسی*، [مترجم: مهدی پارسا]، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- حبیبی، علی اصغر (۱۳۹۳) «بررسی سه مولفه زمانی نظم، تداوم و بسامد در رمان ذاکرة الجسد اثر احلام مستغانمی (بر اساس نظریه زمان روایی ژرار ژنت)»، *زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۰، صص ۱۰-۴۲.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰) *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: علم.
- سلدن، رمان؛ ویدوسون، پیتر (۱۳۸۴) *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، [مترجم: عباس مخبر]، چ دوم تهران: نو.
- صاعدی، احمدرضا؛ نرگس گنجی؛ فرزانه حاجی قاسمی (۱۳۹۲) «مقایسه ساختار بازگشت زمانی در رمان «دودنیا» نوشته گلی ترقی و رمان «ذاکرة الجسد» نوشته احلام مستغانمی»، *مطالعات داستانی*، شماره ۲، صص ۹۲-۱۰۹.
- عدالتی نسب، علی؛ موسی بیات (۱۳۹۴) «تحلیل سبک شناختی آثار داستانی احلام مستغانمی با تکیه بر رمان «ذاکرة الجسد»»، *نقد ادب عربی*، شماره ۱۰، صص ۱۸۱-۲۲۱.
- کریم، رئیسه موسی (۱۹۰۰) *عالم احلام مستغانمی الروائی*، عمان: دار زهران.
- لمراسکی، حسن؛ معصومه زندنا (۱۳۹۴) «پیرنگ و عناصر ساختاری آن در رمان «ذاکرة الجسد» اثر احلام مستغانمی»، *لسان مبین*، شماره ۲۲، صص ۱۰۵-۱۲۱.
- المستغانمی، احلام (۲۰۰۰)، *ذاکرة الجسد*، ط ۱۵، بیروت: دار الآداب.
- نجفی حاجیور، مهران (۱۴۰۰) «بررسی و تحلیل جلوه‌های رمانتیسیم اجتماعی در رمان «ذاکرة الجسد» نوشته احلام مستغانمی»، *نقد ادب عربی*، شماره ۲۳، صص ۳۱۷-۳۴۰.

منابع انگلیسی

- Borthes, R. (1970), S/Z, Rrichard Howard & Richard Millel, New York: hill and Wang.
- Bowman, Peter James (2000) «Theoder Fontane's Cecille: An Allegory of Reading», *German Life and Letters*, 53, p.p 14-29.

References

- Ahmadi, Babak (2009). **Structure and Interpretation of the Text**. Tehran: Markaz.
- Scholes, Robert (2014). **An Introduction to Structuralism in Literature**. [Translated by: Farzaneh Taheri]. Tehran: Agah.
- Allen, Graham (2006). **Intertextuality**. [Translated by: Payam Yazdanjo]. Tehran: Markaz.
- Barthes, Roland (2020). **S/Z, Along with Balzac's Story "Sarrasine"**. [Translated by: Sepideh Shakari Pour]. Tehran: Afraz.
- Barthes, Roland (2008). **An Introduction to the Structural Analysis of Narratives**. [Translated by: Mohammad Ragheb]. Tehran: Farhang-e Saba.
- Borthes, R. (1970), *S/Z*, Rrichard Howard & Richard Millel, New York: hill and Wang.
- Todorov, Tzvetan (2003). **Structuralist Poetics**. [Translated by: Mohammad Nabavi]. Tehran: Agah.
- Chandler, Daniel (2008). **Semiotics: The Basics**. [Translated by: Mehdi Parsa]. Tehran: Research Center for Islamic Culture and Art.
- Sajjadi, Farzan (2011). **Applied Semiotics**. Tehran: Elm.
- Selden, Raman; Widdowson, Peter (2005). **A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory**. [Translated by: Abbas Mokhber]. Second Edition. Tehran: No.
- Karazim, Raisa Musa (1900). **The Narrative World of Ahlam Mosteghanemi**. Amman: Dar Zhran.
- Mosteghanemi, Ahlam (2000). **Memory of the Body**. 15th Edition. Beirut: Dar al-Adab.
- Ahmadi, Ali Akbar; Darabi, Soheila (2019). "A Comparative Study of Postcolonial Thought in the Novel **Memory of the Body** by Ahlam Mosteghanemi and **The Neighbors** by Ahmad Mahmoud." **Contemporary World Literature**, No. 2, pp. 307-334.
- Bavanpouri, Masoud; Ahmadpanah, Seyyed Mostafa; Motavalli, Hadith (2022). "Characterization of Resistance Figures in the Novel **Memory of the Body** by Ahlam Mosteghanemi." **Research in Arabic Language and Literature Education**, No. 2, pp. 68-81.
- Bowman, Peter James (2000) «Theoder Fontane's Cecille: An Allegory of Reading», *German Life and Letters*, 53, p.p 14-29.
- Panahi, Sayyad; Valizadeh, Hamid; Hajizadeh, Mahin (2024). "A Comparative Analysis of the Cultural Approach of **Écriture Féminine** in the Novels **Memory of the Body** and **Hers** Based on Elaine Showalter's Theory." **Comparative Literature Review**, No. 2, pp. 25-47.
- Habibi, Ali Asghar (2014). "An Analysis of the Three Temporal Components of Order, Duration, and Frequency in the Novel **Memory of the Body** by Ahlam Mosteghanemi (Based on Gérard Genette's Theory of Narrative Time)." **Arabic Language and Literature**, No. 10, pp. 10-42.
- Saedi, Ahmad Reza; Ganji, Narges; Haji Ghasemi, Farzaneh (2013). "Comparing the Structure of Temporal Return in the Novel 'Two Worlds' by Goli Taraghi and the Novel 'Memory of the Body' by Ahlam Mosteghanemi." **Fiction Studies**, No. 2, pp. 92-109.
- Edalatinejad, Ali; Bayat, Mousa (2015). "A Stylistic Analysis of Ahlam Mosteghanemi's Fictional Works with Emphasis on the Novel (**Memory of the Body**)." **Arabic Literature Criticism**, No. 10, pp. 181-221.
- Lameraski, Hassan; Zandana, Masoumeh (2015). "Plot and Its Structural Elements in the Novel 'Memory of the Body' by Ahlam Mosteghanemi." **Lisan-e Mobin**, No. 22, pp. 105-121.
- Najafi Hajiwar, Mehran (2021). "A Study and Analysis of the Manifestations of Social Romanticism in the Novel 'Memory of the Body' by Ahlam Mosteghanemi." **Arabic Literature Criticism**, No. 23, pp. 317-340.

Structural Narratology of Ahlam Mosteghanemi's Novel "The Body's Memory" Based on Roland Barthes' Five Codes

Abdollah Hosseini^{1*}, Reyhane Banae², Sayed Shaho Ebrahimzadeh³

1. Corresponding author, Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: dr.abd.hosseini@khu.ac.ir
2. MSc., Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: reyhanebanae@gmail.com
3. MSc Student, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: sh.ebrahimzadeh@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 27 November 2025 Received in revised form: 17 December 2025 Accepted: Published online: 7 February 2026 Keywords: Structural Narratology, Roland Barthes' Five Codes, Ahlam Mosteghanemi, The Body's Memory.	Since the 1960s, narratology has emerged as a significant branch of literary studies, focusing on analyzing narrative mechanisms and the production of meaning in literary texts. Within this field, Roland Barthes' theory, introducing the five codes, provides a systematic tool for analyzing the internal structures of narrative and the processes of meaning-making. Despite the widespread application of this theory in Western literary criticism, a systematic examination of prominent works of Arabic literature—particularly Ahlam Mosteghanemi's novel *The Body's Memory* from an interdisciplinary perspective—can contribute to the expansion of structuralist criticism in contemporary Arabic literature. The present study aims to move beyond a descriptive summary of the novel's content and provide an in-depth analysis of how meaning is constructed within it. The research method is analytical-descriptive, and the statistical population is the complete text of the novel *The Body's Memory*. The findings indicate that the hermeneutic and proairetic codes are the main drivers of dynamism and suspense in the narrative. By posing sequential enigmas and delaying the revelation of meaning, they engage the reader's mind in the process of discovery. On the other hand, the symbolic and cultural codes, relying on dichotomies such as tradition vs. modernity, love vs. hatred, and resistance vs. compromise, facilitate the representation of the crisis of individual and collective identity in post-revolutionary Algeria within this Arabic literary work. Ultimately, by employing linguistic techniques aligned with Barthes' codes, Mosteghanemi successfully creates a multi-layered and meaning-driven narrative in which history, love, and identity are reflected in a metaphorical and intertwined manner.
Cite this article: Hosseini, A.; Banae, R.; Ebrahimzadeh, S.Sh. (2025). Structural Narratology of Ahlam Mosteghanemi's Novel "The Body's Memory" Based on Roland Barthes' Five Codes. <i>Comparative Critical Studies in Arabic Literature</i>, 1 (1), 19-35.	

1. Introduction

Narrative, as one of the most fundamental methods of transmitting human experiences, is rooted in the history of thought. The etymology of this concept shows that the word 'narrative' is derived from the Latin term 'Narrara' and the Greek word 'Gnarus,' denoting knowledge and awareness (Ahmadi, 2009: 176). Among the various definitions provided for narrative, Michael J. Tolan offers a simple yet comprehensive one: "Narrative is a predetermined sequence of events linked together non-randomly" (Barthes, 2008: 20). Roland Gérard Barthes, the prominent theorist, sees narrative present across a wide spectrum of cultural manifestations, from myths and legends to history and comic strips. According to him, narrative consists of two main parts: the "story" (histoire), which comprises a logical sequence of events, and the "text" (texte), which is the medium for expressing this story (Barthes, 1970: 6). This duality enables the narrative to be presented in various genres. Since the 1960s, narratology has emerged as a significant branch of literary studies. This field examines narrative techniques and structures in texts and defines narrative as an account of real or imaginary events organized in an artistic form (Bowman, 2000: 3).

Research Questions: 1. How do Roland Barthes' hermeneutic and proairetic codes create narrative dynamism and suspense in Ahlam Mosteghanemi's novel "The Body's Memory" *Thakirat al-Jasad*?
2. What is the role of the symbolic and cultural codes in representing the individual and collective identity of the characters in the novel "The Body's Memory" *Thakirat al-Jasad*?

2. Theoretical foundations of research

Codes are defined as semiotic systems that produce meaningful messages by employing a set of signs and the rules governing their combination. In fact, they form a framework within which the text derives its meaning (Chandler, 2008: 221). The prominent theorist Roland Barthes argues that every text is composed of five codes, and through these codes, all important aspects of the text can be examined (Ibid: 221). His analytical process involved three main stages: analyzing the book's title from semantic and generic perspectives, examining the story's opening sentence and the codes present within it, and finally, analyzing other textual units (Scholes, 2014: 74). Barthes's theory comprises the following components: the proairetic code (action code) - the hermeneutic code (enigma code) - the semic code (connotative code) - the symbolic code - the cultural code (referential code).

3. Methodology

This article attempts to analyze this novel based on the five aforementioned codes, relying on Roland Barthes' structural narratology theory and using an analytical-descriptive method.

4. Results

Roland Barthes' hermeneutic and proairetic codes in Ahlam Mosteghanemi's novel *The Body's Memory (Dhākirat al-Jasad) are fundamental elements in creating suspense, curiosity, and narrative dynamism. By raising successive questions about the characters' identities, Khaled's past, his relationship with Ahlam, and other enigmatic issues, the author engages the reader's mind with puzzles whose answers are gradually revealed throughout the narrative. The novel's title, "The Body's Memory," is itself an enigma, the meaning and referent of which take shape through the narrator's memories and confessions. By employing this code, along with delaying the disclosure of information and utilizing techniques like internal monologue and stream of consciousness, the author involves the

reader in the process of meaning-making. Alongside this, the proairetic code, based on Todorov's five-stage model, guides the narrative structure from an initial equilibrium (Khaled's solitude in Paris) to crisis (love and jealousy) and then to a new equilibrium (a return to isolation). This cyclical movement not only ensures the story's coherence but also reveals the psychological depth of the characters. Consequently, the hermeneutic and proairetic codes have enabled Mosteghanemi to create a multi-layered novel in which each narrative knot builds a bridge between past and present, love and loss, and each question opens a new horizon of meaning. The symbolic and cultural codes in *The Body's Memory* play a significant role in representing the crisis of individual and collective identity, providing a framework for attributing meaning to the historical and emotional experiences of the Algerian nation. Mosteghanemi utilizes contrasts such as tradition and modernity, resistance and compromise, love and hatred, East and West to illustrate the internal duality of the character Khaled and the post-revolution society.

References

- Ahmadi, Ali Akbar & Darabi, Soheila (2019). "A Comparative Study of Postcolonial Thought in Ahlam Mosteghanemi's *The Body's Memory* and Ahmad Mahmoud's *The Neighbors*." *Contemporary World Literature*, No. 2, pp. 307-334.
- Ahmadi, Babak (2009). *Structure and Interpretation of the Text*. Tehran: Markaz.
- Allen, Graham (2006). *Intertextuality*. Translated by Payam Yazdanjoo. Tehran: Markaz.
- Barthes, Roland (2008). *Introduction to the Structural Analysis of Narratives*. Translated by Mohammad Ragheb. Tehran: Farhang-e Saba.
- Barthes, Roland (2020). *S/Z: Along with Balzac's Short Story "Sarrasine"*. Translated by Sepideh Shakaripur. Tehran: Afraz.
- Bavanpouri, Masoud; Ahmadpanah, Seyyed Mostafa; Motavalli, Hadith (2022). "Characterization of Resistance Figures in Ahlam Mosteghanemi's Novel *The Body's Memory*." *Research in Arabic Language and Literature Education*, No. 2, pp. 68-81.
- Borthes, R. (1970), *S/Z*, Rrichard Howard & Richard Millel, New York: hill and Wang.
- Bowman, Peter James (2000) «Theoder Fontane's *Cecille*: An Allegory of Reading», *German Life and Letters*, 53, pp 14-29.
- Scholes, Robert (2014). *Structuralism in Literature: An Introduction*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Agah.